

علی‌رغم اظهارات برخی مسئولان دولتی، ظرفیت بودجه سال ۹۸ و قوانین مربوط، منابعی بالغ بر ۲۷ هزار میلیارد تومان را به منظور جبران خسارات ناشی از سیل فراهم می‌کند و در نتیجه، احتمالاً نیاز به استفاده از منابع صندوق توسعه وجود ندارد.

سیل اخیر در چند استان کشور مشکلات عدیده‌ای برای مردم ایجاد کرد و باعث شد بخشی از زیرساخت‌های ارتباطی، پل‌ها، جاده‌ها و اماکن عمومی به طور ۱۰۰ درصد تخریب شود. به منظور جبران خسارات ناشی از سیل نمایندگان با ارائه طرحی دست به کار شدند تا با پیش‌بینی منابع از محل‌های مختلف از جمله صندوق توسعه ملی و سایر منابع هرچه سریع‌تر به کمک سیل‌زدگان بشتابند.

منابع صندوق توسعه ملی سهل‌الوصول‌ترین منابع بالفعل برای کمک به سیل تلقی می‌شود و به همین دلیل برخی نمایندگان مجلس برای به نتیجه رسیدن آن از یکدیگر سفت می‌گرفتند. در این‌باره ارقام متعددی به نقل از نمایندگان برای برداشت از صندوق توسعه ملی مطرح شد از ۲ میلیارد دلار و یورو تا ۵ میلیارد دلار ارقامی بودند که در رسانه‌ها انتشار یافت.

همزمان با این‌ا اظهار نظرهای نمایندگان مجلس، خبر رسید که رئیس‌جمهور طی نامه‌ای به مقام معظم رهبری درخواست برداشت ۲ میلیارد یورو از صندوق توسعه ملی به منظور جبران خسارت‌های وارده را ارائه کرده است.

به گزارش فارس، از نسوی دیگر، محمدباقر نوبخت نیز در نشست خبری اخیر با موضوع اصلاح ساختار بودجه بر حمایت آمدادی مقام معظم رهبری برای برداشت از صندوق توسعه ملی در کنار دیگر ظرفیت‌های قانونی تأکید کرد.

پس از گذشت چند روز برای پیگیری وضعیت درخواست برداشت منابع از صندوق توسعه ملی مرتضی شهیدزاده رئیس هیئت عامل این صندوق در گفت‌وگو با خبرنگار اقتصادی فارس رقم درخواست دقیق رئیس‌جمهور را ۲ میلیارد دلار دانست و گفته بود البته اذن مقام معظم رهبری مبنی بر برداشت را ندیده‌ام. وی در این مصاحبه فقط به نامه دفتر رئیس‌جمهور مبنی بر ارائه گزارش دقیق از صدمات و خسارت وارده طی روزهای آینده توسط دستگاهها و همچنین موافقت کلی با برداشت از منابع صندوق اشاره کرد.

با این اوصاف در رسانه‌ها و فضای مجازی به غلط اینگونه القا شد که دولت منابع کافی ندارد و خزانه خالی است و به همین دلیل، کمک و حمایت دولت برای جبران خسارت سیل‌زدگان منوط به تأیید مجوز برداشت از منابع صندوق توسعه ملی است. هرچند در هفته‌های اخیر دولت از ردیف‌های قانونی و ظرفیت‌های موجود مالی‌ا برای کمک و جبران اتفاقات اخیر تصمیمی ندهاده بود. پس از آن ۲۶ فروردین ماه مقام معظم رهبری در پاسخ به نامه رئیس‌جمهور که در رسانه‌ها منتشر

**شکاف درآمدی در جامعه آمریکا بسیار عمیق شده است**
**تا جایی که در برخی از پردرآمدترین شرکت‌های آمریکایی برخی مدیران ۵۰۰۰ برابر کارکنانشان حقوق دریافت می‌کنند.**

بی‌عدالتی در توزیع درآمد یا همان شکاف درآمدی که با استفاده از شاخص «ضرب جینی» مشخص می‌شود، در جامعه آمریکا بسیار بالاتر از آن چیزی است که در دیگر کشورهای توسعه‌یافته و حتی برخی کشورهای در حال توسعه نظیر روسیه و هند مشاهده می‌شود. این نتیجه گزارش‌با عنوان «مباحثه نابرابری و شکاف درآمدی» است که شورای روابط خارجی آمریکا منتشر کرده است. تحقیقات دربارهٔ موضوع بی‌عدالتی در توزیع درآمدی در کشور آمریکا در قالب پروژه موسوم به «بناکارمل احیای آمریکا» در شورای روابط خارجی آمریکا انجام گرفته که به بررسی چالش‌های مهم داخلی در این کشور می‌پردازد.

بنا بر گزارش این مرکز، خشم و نارضایتی عمومی از بی‌عدالتی و نابرابری در توزیع

در سال ۲۰۱۱ میلادی این رقم به ۲۸۳٫۴ برابر پاداش یک کارگر در جامعه آمریکا رسیده است.

طبق مقاله‌ای که روزنامه «نیویورک پست» اخیراً به چاپ رسانده، درآمد یک مدیرعامل در آمریکا جزء بالاترین درآمدها در سطح جهان به حساب می‌آید. این ادعا را گزارشی که دفتر «کیث الیسون» قانونگذار دموکرات ایالت مینسوتا در کنگره آمریکا منتشر کرده، تأیید می‌کند. بر اساس قانونی که در سال ۲۰۱۵ میلادی به عنوان بخشی از قانون حمایت از مصرف‌کنندگان در آمریکا تصویب رسیده، شرکت‌های آمریکایی موظف شده‌اند تا روند دریافت حقوق و مزایای مدیران خود را در مقایسه با کارگران و کارمندانشان منتشر کنند. بر همین اساس، این قانونگذار آمریکایی از کارمندان دفتر خود خواسته تا پژوهشی را روی آمار مربوط به درآمد مدیران و کارگران شرکت‌هایی که در فهرست ۵۰۰ شرکت پردرآمد آمریکایی تحت عنوان «فرچوچون ۵۰۰» قسار گرفته‌اند، به منظور انجام بررسی‌ها، برای این منظور ۲۲۵ شرکت نخست این فهرست انتخاب شدند.

در این نمودار، خط بنفش میزان تغییرات درآمد ۲۰ درصد ثروتمند جامعه آمریکا را نشان می‌دهد که از سال ۱۹۷۹ تا سال ۲۰۱۴ میلادی، افزایش ۹۵ درصدی را تجربه کرده، در شرایطی که درآمد اقشار کم‌درآمد جامعه آمریکا در تمام این ۳۶ سال صرفاً ۲۶ درصد رشد را شاهد بوده است.

بر اساس گزارشی که اندیشکده آمریکایی «پی‌ئی‌بی» (موسسه سیاست اقتصادی) با عنوان «دستمزد مدیرعامل و یک درصد برتر» منتشر کرده، در سال ۱۹۶۵ میلادی، مدیرعامل یک شرکت معمولی بیش از ۲۰ برابر کارگرش درآمد داشت در حالی که

به طور میانگین حدود ۶۰ درصد افزایش یافته است. البته این افزایش به میزان برابر در میان اقشار مختلف جامعه آمریکا تقسیم نشده است. میزان افزایش درآمد در میان اقشار ثروتمند جامعه (حدود یک پنجم) ۹۵ درصد افزایش یافته که این میزان برای دیگر اقشار جامعه آمریکا کمتر از ۳۰ درصد بوده است. این موضوع در نمودار زیر به خوبی نمایان است.

در این نمودار، خط بنفش میزان تغییرات درآمد ۲۰ درصد ثروتمند جامعه آمریکا را نشان می‌دهد که از سال ۱۹۷۹ تا سال ۲۰۱۴ میلادی، افزایش ۹۵ درصدی را تجربه کرده، در شرایطی که درآمد اقشار کم‌درآمد جامعه آمریکا در تمام این ۳۶ سال صرفاً ۲۶ درصد رشد را شاهد بوده است.

بر اساس گزارشی که اندیشکده آمریکایی «پی‌ئی‌بی» (موسسه سیاست اقتصادی) با عنوان «دستمزد مدیرعامل و یک درصد برتر» منتشر کرده، در سال ۱۹۶۵ میلادی، مدیرعامل یک شرکت معمولی بیش از ۲۰ برابر کارگرش درآمد داشت در حالی که

به طور میانگین حدود ۶۰ درصد افزایش یافته است. البته این افزایش به میزان برابر در میان اقشار مختلف جامعه آمریکا تقسیم نشده است. میزان افزایش درآمد در میان اقشار ثروتمند جامعه (حدود یک پنجم) ۹۵ درصد افزایش یافته که این میزان برای دیگر اقشار جامعه آمریکا کمتر از ۳۰ درصد بوده است. این موضوع در نمودار زیر به خوبی نمایان است.

در این نمودار، خط بنفش میزان تغییرات درآمد ۲۰ درصد ثروتمند جامعه آمریکا را نشان می‌دهد که از سال ۱۹۷۹ تا سال ۲۰۱۴ میلادی، افزایش ۹۵ درصدی را تجربه کرده، در شرایطی که درآمد اقشار کم‌درآمد جامعه آمریکا در تمام این ۳۶ سال صرفاً ۲۶ درصد رشد را شاهد بوده است.

بر اساس گزارشی که اندیشکده آمریکایی «پی‌ئی‌بی» (موسسه سیاست اقتصادی) با عنوان «دستمزد مدیرعامل و یک درصد برتر» منتشر کرده، در سال ۱۹۶۵ میلادی، مدیرعامل یک شرکت معمولی بیش از ۲۰ برابر کارگرش درآمد داشت در حالی که

## شکاف طبقاتی عمیق در جامعه آمریکایی

در سال ۲۰۱۱ میلادی این نسبت به ۳۸۳ درصد رسیده است. این گزارش تأکید دارد که افزایش شدید در نابرابری پرداخت دستمزد یکی از عوامل اصلی در ایجاد بی‌عدالتی گسترده در توزیع درآمد سرانه در آمریکا و سرازیر شدن ثروت در جامعه به سمت یک درصد افراد ثروتمند این کشور است.

تحقیقات اندیشکده ای.پی.آی همچنین نشان می‌دهد، بخش قابل توجهی از افزایش درآمد یک درصد ثروتمند جامعه به دلیل افزایش حقوق‌های مدیران و کارمندان بخش مالی در جامعه آمریکا بوده است به طوری که میانگین حدود ۵۸ درصد از افزایش درآمد یک درصد ثروتمند جامعه به واسطه افزایش حقوق مدیران و کارکنان بخش مالی آمریکا بوده است.

بر اساس آمار به دست آمده در این پژوهش، از سال ۱۹۷۸ تا سال ۲۰۱۱ میلادی، میزان پاداش و مزایایی که مدیران عامل شرکت‌ها روی حقوق خود دریافت کرده‌اند، ۷۲۵ درصد رشد داشته که حتی از رشد بازار سهام در آمریکا نیز بسیار فراتر بوده است. حقیقت دردناک اینجاست که افزایش میزان پاداش کارگران در تمام این سال‌ها صرفاً حدود ۶ درصد (۵/۷ درصد) بوده است. در بررسی دقیق‌تر می‌توان گفت که مدیران در سال ۱۹۶۵ میلادی ۲۰/۱ برابر کارگران پاداش و مزایا علاوه بر درآمد خود دریافت کرده‌اند در شرایطی که در سال

چرا دولتی‌ها هر روز ارقام خسارت سیل را بالا می‌برند؟

# ظرفیت بودجه ۹۸ پاسخگوی کافی برای جبران خسارت سیل



شد تا اذنان و افکار عمومی شفاف شود با ادبیاتی هوشمندانه، دقیق و منطقی تأکید کردند: «با استفاده از محل‌های قانونی موجود سریع‌ا اقدامات لازم آغاز شود و در ادامه پس از جمع‌بندی وضعیت و در صورت نیاز برداشت از صندوق توسعه ملی مورد تأیید خواهد بود.»

از مفاد این نامه اینگونه بر می‌آید که اقدام عاجل از طریق ظرفیت‌های موجود قانونی صورت بگیرد و به درستی بنا به مفاد اساسنامه صندوق توسعه ملی، این بخش در اولویت‌های بعدی قرار دارد.

در این نامه، سه محل برای حمایت از سیل‌زدگان منظر قرار گرفته است: ۱- پنج درصد مقرر در بودجه عمومی کشور برای جبران خسارت حوادث غیرمترقبه ۲- جابه‌جایی در ردیف‌های بودجه‌های عمرانی ۳- بیمه‌ها و تسهیلات بانکی.

اینکه چه میزان مراد قانون محقق شده محل بحث در این گزارش نیست اما باید در گزارش‌های آینده وضعیت عملکرد تحقق این بند مشخص شود.

بخشی از مقررات مالی دولت برسر‌ای حوادث غیرمترقبه اختصاص یافته است این ماده علاوه بر اختصاص منابع حاوی نکات دیگری است که مرور می‌کنیم.

۱- یک درصد طبق ماده ۱۰ قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت برسر‌ای حوادث غیرمترقبه اختصاص یافته است این ماده علاوه بر اختصاص منابع حاوی نکات دیگری است که مرور می‌کنیم.

### اقتصادی

در سال ۹۷ بالغ بر ۴۷۸ هزار میلیارد تومان بود که به ۵۲۰ هزار میلیارد تومان افزایش یافت. با این حساب ۵۲ درصد از بودجه عمومی رقمی حدود ۲۷ هزار و ۲۰۰ میلیارد تومان می‌شود. همچنین با توجه به آنکه بسیاری از زیرساخت‌ها و بناهای عمرانی و زیربنایی آسیب دیده امکان جابه‌جایی در ردیف‌ها و اولویت‌های طرح‌های عمرانی سال ۹۸ برای جبران خسارت مناطق سیل‌زده وجود دارد. ذکر این نکته ضروری است که ظرفیت قانونی بودجه برای حمایت از مناطق سیل زده بدون احتساب اعتبار ناشی از پوشش‌های بیمه‌ای و تسهیلات بانکی لحاظ می‌شود.

بر این اساس پرداخت حقوق و مزایا هر ماه (برآورد ۸ هزار میلیارد تومان براساس لایحه بودجه ۹۸) را می‌توان از این منابع کسر کرد و با جابه‌جایی ردیف‌ها اعتبار خوبی برای حمایت از مناطق سیل‌زده به کار گرفت.

علاوه بر این دو سرفصل، سومین بخش بهره‌گیری از تسهیلات بانکی و اقدامات بیمه‌ای برای جبران صدمات وارده به بخش‌های مختلف اعم از کشاورزی، ساختمانی و سایر بخش‌ها است که می‌تواند کمک‌حال دولت و مناطق سیل‌زده باشد.

به حال با توجه به آنکه ظرفیت مناسبی در قوانین موجود برای حمایت از سیل‌زدگان وجود دارد احتمالاً نیاز به منابع کمتری از صندوق توسعه ملی برای مصارف بودجه‌ای است تا ذخایر صندوق بین‌النسلی در جهت توسعه ایفای نقش کند.

**ارقام متفاوت خسارت سیل**

**از زبان دولتی‌ها**

نکته دیگر در باب سیل اینکه مقامات دولتی هر چند روز یکبار میزان خسارت سیل را بالاتر می‌برند و اعداد و ارقام متفاوتی بر زبان می‌رانند که سؤال برانگیز است.

در روزهای نخستین سیل یکی از مقامات دولت خسارت سیل را ۳۰۱ هزار میلیارد تومان برآورد کرد. چند روز بعد رحمانی فضل‌ی وزیر کشور به عنوان متولی موضوع عنوانی اخیر در گزارشی اعلام کرد برآورد خسارت سیل بالغ بر ۳۵ هزار میلیارد تومان است.

دو سه روز بعد از وزیر کشور، حسن روحانی در جلسه دولت رقم خسارت‌ها را ۵ هزار میلیارد دیگر بالا برد و مدعی شد در مجموع براساس برآوردها حدود ۴۰ هزار میلیارد تومان خسارات به بخش‌های مختلف وارد شده که البته این رقم با بررسی دقیق خسارت‌های سیل در استان خوزستان ممکن است افزایش پیدا کند!

این افزایش مکرر میزان خسارت سیل واقعا جای سؤال دارد، که چرا مسئولان دولت اولاً با وجود این همه دستگاه‌های عریض و طویل یک برآورد واحد درباره خسارت سیل ندارند و

ثانیاً آیا بیان ارقام متفاوت که هر چند روز یکبار هم بیشتر می‌شود هدف خاصی را که از چشم چقدر می‌شود؟

بودجه سال ۹۸ در آخرین روزهای چکش کاری

صفحه ۷
شنبه ۳ اردیبهشت ۱۳۹۸
شعبان ۱۴۴ - شماره ۲۲۱۶۷

**موفقیت بورس نفت**  
**مشروط به حمایت‌های وزارت نفت است**



در شرایط فعلی، کشور ایران با تحریم‌های شدیدی مواجه است که این خود فروش نفت را با مشکل مواجه کرده است.

**نقش وزارت نفت در روند موفقیت نفت عرضه شده در بورس**

با توجه به تکلیف قانونی مجلس به وزارت نفت در قانون بودجه سال ۹۸ مبنی بر عرضه ماهانه ۶ میلیون بشکه نفت در بورس وزارت نفت موظف به عرضه مداوم نفت و میعانات گازی در بورس است اما باید توجه شود که این عرضه نفت نباید تنها به صورت رفع تکلیفی باشد یا به عبارتی بهتر وزارت نفت باید تمام سعی خود را بکند تا عرضه نفت در بورس ا موفقیت روبرو شود.

با توجه به موفقیّت رونق بورس نفت در بورس در اختیار وزارت نفت و امور بین‌الملل شرکت ملی نفت بوده است طبیعی است که این وزارت‌خانه آن چنانکه باید و شاید با این راهکار ضد تحریمی موافق نباشد.

برای این که بورس نفت ایران بتواند با موفقیت همراه شود، به طور واضح وزارت نفت باید ابتدای کار سیاست‌گذاری‌هایی را در نظر بگیرد که بتواند باعث موفقیت و رونق بورس نفت شود.

برای مثال وزارت نفت بسا تبلیغات و بازاریابی مداوم، باید مشتریان را ترغیب به خرید نفت از بورس کند و حتی در ابتدای امر بخشی از مشتریان خود که تقاضای خرید نفت به صورت مستقیم دارند را به بورس ارجاع دهد و نفت را از طریق بورس به آنها بفروشد. این کار هم مشتریان تشویق به خرید نفت از بورس می‌شوند هم بورس نفت ایران از حالت فعلی بیرون خواهد رفت و با گذشت زمان جایگاه خود را پیدا خواهد کرد.

در عرصه بین‌المللی هم وقتی معاملات نفت در بورس رونق یابد می‌توان با ایجاد مانورهای رسانه‌ای موجب استقبال سرمایه‌گذاران خارجی از نفت عرضه شده در بورس انرژی ایران شد.

# بازار تضمین شده عاملی برای کاهش کیفیت خودرو

منظور افزایش سود محصولات خود تا جایی که می‌توانند با کاهش کیفیت قطعات تولیدی هزینه تمام شده خود را کاهش داده و سود بیشتری کسب کند. بنابراین نتیجه این سیاست‌گذاری حاکمیت، کاهش کیفیت خودروهای تولیدی و عدم تحریک انگیزه خودروسازان برای حرکت به سمت تولیدات با کیفیت است. علاوه‌بر این، مکانیزم شورای رقابت دارای ایرادات بزرگ دیگری نیز هست که از جمله آنها می‌توان موارد زیر را بر شمرد:

- وابسته بودن تصمیمات به نظر چند فرد محدود که به دلیل لحاظ شدن منافع فردی و جمعی در تصمیم‌گیری‌ها، امکان بروز فساد در تصمیمات شورا هموار است.

- به دلیل وابستگی تصمیمات قیمتی به افراد، با توجه به فشارهای اجتماعی، مصلحت‌سنجی‌های غیراقتصادی در تصمیم‌گیری‌ها دخیل می‌شود.

- فرآیند تصمیم‌گیری در شورای رقابت دارای مکانیزمی فعال و پویا نسبت به تغییرات قیمت نهاده‌های تولید نیست از همین رو، شورای رقابت به تغییرات قیمتی بسیار دیر واکنش نشان می‌دهد. البته راه‌حل آسیب‌های فوق واگذاری قیمت خودرو به بازار نیست چرا که واگذاری قیمت به بازار نیز خود دارای مشکلات فراوانی است از جمله اینکه واگذاری قیمت به بازار در شرایط بازار انحصاری به معنای واگذاری قیمت به عرضه‌کنندگان است. در واقع عرضه‌کنندگان براساس میزان عرضه محصول در بازار می‌توانند قیمت را افزایش یا کاهش دهند.

زمانی که قیمت در اختیار عرضه‌کننده قرار گیرد، عرضه‌کننده با توجه به مشکلاتی که مواردی از جمله تأمین سرمایه در گردش، مواد داری و… دارد، انگیزه بیشتری برای عدم افزایش تیراژ و کسب حاشیه سودهای بالاتر در بلندمدت خواهد داشت.

در ایران بازار خودرو با عمق بالا که دارای عرضه‌کننده و تقاضاکننده‌هایی با تعداد بالا باشد و قوانین مدونی (همچون بورس) حاکم باشد وجود ندارد.

**حمایت‌های مالی دولت از خودروسازان**

طی سالیان گذشته حمایت مالی دولت از خودروسازان منوط به عملکرد و یا رفتار خاصی از سوی خودروسازان بوده که باعث به حرکت به سمت توسعه صنایع خودروسازی کند، نکرده است. در این شرایط خودروسازان هرگز در جهت توسعه، حرکتی نخواهند کرد چرا که جریان حمایت دولتی مستمر و لاقید بوده است.

**استانداردهای خودرویی**

از جمله دلایل ناموفق بودن استانداردهای خودرویی، حمایت دائمی دولت از خودروسازان است که معمولاً با به تعویق انداختن زمان الزامی شدن استانداردها و همچنین کاستن از شدت آن است. در ایران استانداردها نتوانسته به عنوان اهرمی برای ترغیب و تنبیه خودروسازان برای حرکت به سمت توسعه خودرو ظاهر شود، چرا که هر بار استانداردهای اجرا نشده و یا به دلیل تعویقات طولانی‌مدت کارایی خود را از دست داده است.

میلاد بیگی

میلاد بیگی



جانب خودروهای وارداتی برای تولیدات و بازار خود حس نمی‌کنند و این سیاست نتوانست انگیزه مدیران خودروسازی برای توسعه محصول، خروج محصولات قدیمی و تحقیق و توسعه به منظور از دست ندادن بازار خود را تحریک و ترغیب کند.

**تعرفه واردات قطعات**

بر اساس جدول تعرفه واردات قطعات منفصله به ازای ساخت داخل بین ۲۰ تا ۳۰ درصد تعرفه واردات قطعات خودرو کسب است، از این رو برای تولیدکننده هیچ انگیزه‌ای ایجاد نمی‌کند که عمق داخلی‌سازی خود را در بین بازه افزایش دهد. علاوه‌بر این یکی از نقاط ضعف بزرگ این سیاست تعرفه‌ای این است که شیب نسبت کاهش نرخ تعرفه به افزایش عمق داخلی‌سازی منفی است، به عبارت دیگر اگر عمق داخلی‌سازی از ۲۰ به ۳۰ درصد (افزایش ۱۰ درصد) برسد، تعرفه به میزان ۸ درصد (۳۲=۴۰-۸) کاهش می‌یابد ولی اگر از عمق داخلی‌سازی ۳۰ درصد به ۴۰ درصد برسد (افزایش ۱۰ درصد)، تعرفه تنها ۶ درصد کاهش می‌یابد. این در حالی است که در چه عمق داخلی‌سازی بیشتر باشد اضافه کردن داخلی‌سازی آن پسر هزینه‌تر خواهد بود زیرا فناوری قطعات تولیدی بالاتر خواهد رفت. این شیوه تعرفه‌گذاری نه تنها تولیدکننده را به افزایش ساخت داخل ترغیب نمی‌کند، بلکه این سیاست‌ها می‌تواند باعث شود که پرسودترین حالت تولید خودرو در ایران، تولید با حداقل میزان داخلی‌سازی است.

بسیار متوجه به تاریخچه سیاست‌های تعرفه‌ای ایران که همواره با تعرفه‌های بالا همراه بوده، قیمت خودروهای وارداتی در ایران هیچ‌گاه نزدیک به خودروهای پرتیراژ بازار داخلی نبوده است. از همین رو تحت چنین شرایطی خودروسازان هرگز تهدید از جانب خودروسازان وارداتی بزرگ سیاست تعرفه واردات و اندازه‌گیری ساخت داخل، عدم اندازه‌گیری میزان ساخت داخل برای خودروهای پرتیراژ و ساخت داخل بالا است. این نحوه مواجه با خودروساز، عملاً این امکان را به خودروساز می‌دهد که بدون آنکه